

## The Impact of Audit Quality, Competitive Environment and Corporate Governance on Managers' Unethical Behaviors: with Emphasis on Two Dimensions of Decision-making Horizon and Type of Forecast in Managers' Behavior

*Mostafa Hashemi Tilehnouei\**  
*Javad Nikkar\*\**

### Abstract

**Objective:** This research is in the field of corporate governance and behavioral finance. Conflicts of interest between directors and shareholders create agency costs for shareholders' equity that are borne by shareholders. Two sources of this conflict are managerial optimism and managerial myopia. Managerial optimism is favorable if it is about the manager's personal ability or about market conditions, but entrepreneurs and executives are often hurt by optimism bias. On the other hand, myopic managers avoid spending on activities that benefit the company in the long run, such as research and development, because of their attitudes toward short-term profits or other factors such as short-term institutional investors. Expenditures in research and development activities are serious drivers of innovation in the company that contribute to the company's competitive advantages and sustainable economic development. Accordingly, there is an argument that in the country's economic environment, regulatory stimuli including corporate governance, audit quality and competitive environment of the company can create transparency and effective supervision to cause a fundamental limit on managers' unethical behaviors such as myopic and optimistic behaviors.

**Methods:** for this purpose, According to different considered theories, six hypotheses are developed and data on 155 companies listed in Tehran Stock Exchange for the period between the years 2008 to 2017 are analyzed. In this study, a multivariate regression model has been used to analyze the test of research hypotheses. The research method using Panel data method with fixed effects approach and using logistic regression are tested.

**Results:** Findings showed that audit quality has a negative and significant effect on unethical behaviors of management and causes limitations in opportunistic behaviors of management. There is an argument that audit quality has a positive and significant effect on the quality of

---

Journal of Accounting Knowledge, Vol. 12, No. 3, Ser.46, pp. 147-168.

\* **Corresponding Author**, Assistant Professor of Management, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: m.hashemi@iauet.ac.ir).

\*\* Assistant Professor of Accounting, Qom University, Qom, Iran. (Email: j.nickar@gmail.com).

**Submitted:** 13 October 2020

**Accepted:** 27 January 2021

**Publisher:** Faculty of Management & Economics, Shahid Bahonar University of Kerman.

**DOI:** 10.22103/jak.2021.16609.3347

©The Authors.



## Abstract

---

disclosure. Therefore, the higher the audit quality, the more accurate the estimates and monitoring. Also, the results confirm that corporate governance will reduce and limit unethical management behaviors by increasing the company's supervisory capacity. Stronger corporate governance, by closely monitoring and controlling managerial behavior and decisions, is a limiting factor in managerial biased behaviors and reduces overly optimistic and myopic behaviors. Managers of competing companies compete fiercely to maintain market confidence, and these managers try to gain more market trust with accurate predictions. Despite prediction based on theoretical background, the results indicate that the company's competitive environment has no significant effect on unethical management behaviors.

**Conclusion:** According to agency theory, there is an argument that the interests of managers are not necessarily in line with the interests of other stakeholders, and managers are always trying to maximize their interests. On the other hand, regulatory mechanisms are at the disposal of other stakeholders to limit the unethical behavior of managers. The results of this study also support the argument that regulatory mechanisms limit the opportunistic behaviors of management because these mechanisms promote transparency and require managers to observe ethics in predictions and strategic decisions. On the other hand, the findings show that the competition mechanism in Iran has no effect on controlling opportunistic management behaviors.

**Keywords:** *Audit Quality, Corporate Governance, Corporate Competitive Environment, Managers' Optimistic Behaviors and Managers' Myopic Behaviors.*

**Paper Type:** *Research Paper.*

**Citation:** Hashemi Tilehnoei, M., Nikkar, J. (2021). The impact of audit quality, competitive environment and corporate governance on managers' unethical behaviors: with emphasis on two dimensions of decision-making horizon and type of forecast in managers' behavior. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(3), 147-168 [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابداری، محیط رقابتی و راهبری شرکتی بر رفتارهای غیراخلاقی مدیران: با تأکید بر دو بعد افق تصمیم‌گیری و نوع پیش‌بینی در رفتار مدیران

مصطفی هاشمی تپله‌نوئی\*

جواد نیک‌کار\*\*

### چکیده

هدف: این پژوهش، در حوزه راهبری شرکتی و مالی رفتاری قرار دارد. مطابق با موضوع مطرح شده این استدلال وجود دارد که سطح نظارت و رقابت، با افزایش سطح کیفیت افشا و سطح شفافیت سبب محدودیت در رفتارهای غیراخلاقی مدیران می‌شود.

روش: مطابق این هدف، با توجه به تئوری‌های متفاوت مطرح شده، شش فرضیه تدوین و داده‌های مالی مرتبط با ۱۵۵ شرکت بورسی برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. روش پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد داده‌های تلفیقی و استفاده از روش رگرسیون لجستیک آزمون شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت حسابداری تأثیر منفی و معناداری بر رفتارهای غیراخلاقی مدیریت دارد و سبب محدودیت در رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت می‌شود. همچنین، نتایج موید آن است که راهبری شرکتی با افزایش توان نظارتی شرکت سبب کاهش و محدودیت در رفتارهای غیراخلاقی مدیریت خواهد شد. افزون بر این، نتایج بیانگر آن است که محیط رقابتی شرکت اثر معناداری بر رفتارهای غیراخلاقی مدیریت ندارد.

نتیجه‌گیری: مطابق با تئوری نمایندگی این استدلال وجود دارد که منافع مدیران الزاماً با منافع سایر ذینفعان هم راستا نیست و مدیران همواره در تلاش برای حداکثرسازی منافع خود هستند. از سوی دیگر، مکانیزم‌های نظارتی در اختیار سایر ذینفعان برای محدود ساختن

مجله دانش حسابداری، دوره دوازدهم، ش ۳، پیاپی ۴۶، صص. ۱۶۸-۱۴۷.

\* نویسنده مسئول، استادیار گروه مدیریت، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (وایانامه: m.hashemi@iauet.ac.ir).

\*\* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه قم، قم، ایران. (وایانامه: j.nickar@gmail.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۲

ناشر: دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

DOI: 10.22103/jak.2021.16609.3347

©The Authors.



رفتارهای غیراخلاقی مدیران است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نیز این استدلال را حمایت می‌کند که مکانیزم‌های نظارتی سبب محدودیت در رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت می‌شود چرا که این مکانیزم‌ها شفافیت را ارتقا بخشیده و مدیران را ملزم به رعایت اخلاق در پیش‌بینی‌ها و تصمیمات استراتژیک شرکت می‌کند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان دهنده آن است که مکانیزم رقابت در ایران اثری بر کنترل رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت حسابرسی، راهبری شرکتی، محیط رقابتی شرکت، رفتار خوش‌بینانه مدیران و رفتار کوتاه‌بینانه مدیران.

نوع مقاله: پژوهشی.

**استناد:** هاشمی تیله‌نوئی، مصطفی؛ نیک‌کار، جواد. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی، محیط رقابتی و راهبری شرکتی بر رفتارهای غیراخلاقی مدیران: با تأکید بر دو بعد افق تصمیم‌گیری و نوع پیش‌بینی در رفتار مدیران. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۳)، ۱۶۸-۱۴۷.

#### مقدمه

تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، هزینه‌های نمایندگی را برای حقوق صاحبان سهام ایجاد می‌کند که سهامداران متحمل آن می‌شوند. دو منبع از منابع این ناسازگاری خوش‌بینی مدیریتی و کوتاه‌بینی مدیریتی می‌باشند. خوش‌بینی مدیریتی به عنوان یک تعصب رو به بالا در باورهای مدیریت در ارتباط با خروجی‌های آتی است که بر روی یک دامنه وسیعی از تصمیمات فردی و شرکتی تأثیر می‌گذارد (بومن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). خوش‌بینی مدیریتی اگر در مورد توانایی شخصی مدیر یا در مورد شرایط بازار خارجی باشد مساعد است، اما کارآفرینان و مدیران اجرایی اغلب با تعصب خوش‌بینی آسیب می‌بینند. تحقیقات نشان داده‌اند که بسیاری از مدیران و کارآفرینان تمایل دارند خوش‌بین باشند و باور دارند شوک‌های منفی کمتری برای آنان اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، باور دارند که وقایع منفی برای مدیران نسبت به دیگران به احتمال کمتری اتفاق خواهد افتاد (جیانگ و لیو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). محمد<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲) شواهد قوی را در مورد تأثیر ساختار راهبری شرکتی بر تعصب خوش‌بینی مدیریتی نشان دادند. الذوبی<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی نشان داد که بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به احتمال فراوان هر چه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد رفتارهای غیرمنطقی مدیران از جمله تعصب خوش‌بینانه مدیران کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، یکی دیگر از دلایل اصلی تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، کوتاه‌بینی مدیریتی است. مدیران کوتاه‌بین به خاطر نگرش به سودهای کوتاه‌مدت و یا عوامل دیگر مانند سرمایه‌گذاران نهادی با نگرش کوتاه‌مدت، از هزینه کردن در فعالیت‌هایی که در بلندمدت به نفع شرکت است مانند مخارج تحقیق و توسعه پرهیز می‌کنند. مخارج شرکت در فعالیت‌های تحقیق و توسعه از محرک‌های جدی نوآوری در شرکت می‌باشند که به مزیت‌های رقابتی شرکت و توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کنند. با این وجود، به دلیل ویژگی هزینه‌های تحقیق و توسعه، مدیران شرکت با مشکل راهبردهای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه مواجه می‌باشند. زیرا، اولاً که فعالیت‌های تحقیق و توسعه از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت است و

درآمدهای شرکت از تحقیق و توسعه نامعلوم بوده و در آینده نامشخص محقق می‌شود و ثانیاً استانداردهای حسابداری قواعد سخت‌گیرانه‌ای برای سرمایه‌ای کردن این مخارج در نظر می‌گیرد. هر دو عامل ممکن است موجب کوتاه‌بینی مدیریتی شود تا منافع سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شرکت را برای سودهای کوتاه‌مدت قربانی کنند (چن<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵).

نتایج پژوهش‌های انجام شده موید آن است که وجود راهبری شرکتی مؤثر و محیط رقابتی پایدار با ایجاد شفافیت و محدودیت در رفتارهای مدیران سبب تعدیل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت می‌شود (جیانگ و لیو، ۲۰۱۸ و ال‌کوردی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، با توجه به پشتوانه نظری این پژوهش‌ها، اثر رفتارهای مخرب خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت می‌تواند در محیط اقتصادی کشور بیش از سایر کشورها باشد چرا که نوسانات شدید موجود در محیط اقتصادی کشور، این بهانه را برای مدیران ایجاد می‌کند که انحراف بیشتری نسبت به پیش‌بینی‌ها وجود داشته باشد و از سوی دیگر، دلیل تصمیم‌های کوتاه‌بینانه مدیران نیز می‌تواند باشد. به بیان دیگر، مدیران دلایل ناکارآمدی و تصمیم‌های نادرست موجود را بیش از اینکه مربوط به عملکرد نادرست خود بدانند، به دلیل وجود شرایط اقتصادی موجود دانسته و عملکرد ضعیف خود را با توجه به شرایط اقتصادی حاکم توجیه می‌کنند. در نتیجه، برای محیط اقتصادی ایران نیاز به وجود مکانیزم‌های نظارتی و رقابتی قوی‌تر بیش از سایر کشورها بوده تا از این رفتارهای فرصت‌طلبانه جلوگیری کند. با توجه به موارد مطرح شده این استدلال وجود دارد که در محیط اقتصادی کشور محرک‌های نظارتی شامل راهبری شرکتی، کیفیت حسابرسی و محیط رقابتی شرکت می‌توانند با ایجاد شفافیت و نظارت مؤثر سبب محدودیت اساسی بر رفتارهای غیراخلاقی مدیران نظیر رفتارهای کوتاه‌بینانه و خوش‌بینانه شوند. بنابراین، با توجه به اهمیت این موضوع در محیط اقتصادی کشور، مساله اساسی این پژوهش بررسی تأثیر راهبری شرکتی، کیفیت حسابرسی و محیط رقابتی شرکت بر سطح رفتارهای کوتاه‌بینانه و خوش‌بینانه مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

### پیشینه نظری و تدوین فرضیه‌ها

#### تأثیر راهبری شرکتی بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت

در ادبیات مالی، راهبری شرکتی قوی یک راه حل مؤثر برای رفع مسائل نمایندگی است (جنسن و مک‌لینگ<sup>۷</sup>، ۱۹۷۶). همچنین، به صورت سنتی انحرافات شرکت به وسیله مسائل نمایندگی و مسائل عدم تقارن اطلاعاتی تشریح می‌شوند. حتی اگر مدیران به علت عدم وجود بازار ایده‌آل علیرغم تضادهای نمایندگی، منطقی باشند، با این وجود نیز، انحرافات را می‌توان در تصمیمات شرکت مشاهده کرد (محمد و همکاران، ۲۰۱۲). با ترکیب بین تضادهای نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)، جبهه‌گیری مدیریتی و فرصت‌طلبی مدیریتی که بوسیله تئوری عدم تقارن اطلاعاتی تقویت شده (مایرز و ماجلوف<sup>۸</sup>، ۱۹۸۴) می‌توان بعضی از انحرافات قابل مشاهده از قبیل بیش سرمایه‌گذاری، رفتار خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه را تشریح کرد. در این چارچوب، راهبری شرکتی اختیارات مدیران را محدود می‌کند (محمد و همکاران، ۲۰۱۲). به صورت کلی در ارتباط با اثر راهبری شرکتی بر رفتار خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت دو استدلال رقیب وجود دارد، استدلال نخست ادعا می‌کند که راهبری شرکتی قوی‌تر با انجام نظارت و کنترل دقیق بر رفتار و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، عامل محدود کننده‌ای در

رفتارهای متعصبانه مدیریتی است و سبب کاهش رفتارهای بیش از حد خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه می‌شود (تئوری وجود نظارت مؤثر و مساله نمایندگی). از سوی دیگر، استدلال دوم بیان می‌کند وجود تمرکز مالکیت بالا و سهامدار نهادی بیشتر با تحت فشار قراردادن مدیریت می‌تواند رفتارهای مدیریتی را کنترل کرده و در جهت منافع خود از آن سوء استفاده کنند و منافع سهامداران اقلیت و سایر فعالان بازار را تحت خطر قرار دهند. زیرا بقا مدیریت در جهت حفظ رضایت مالکان نهادی و سهامداران اکثریت است. بنابراین، این امکان وجود دارد که مدیریت در جهت حفظ منافع و جایگاه شغلی، رفتار خوش‌بینانه در پیش‌بینی‌های آتی و رفتار کوتاه‌بینانه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از خود نشان دهد (دیدگاه کسب رضایت مالکان نهادی و مالکان عمده و تئوری نمایندگی). همچنین، با وجود مالکیت مدیریت بالاتر نیز این احتمال وجود دارد که مدیر به عنوان مالک در جهت حفظ منافع مدیریتی و مالکیتی خود رفتار خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه بیشتری را از خود نشان دهد (لی<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به استدلال‌های فوق فرضیه‌های اول و چهارم به شرح زیر تبیین شده است:

فرضیه اول: شاخص راهبری شرکتی بر رفتار خوش‌بینانه مدیران تأثیر منفی معناداری دارد.

فرضیه چهارم: شاخص راهبری شرکتی بر رفتار کوتاه‌بینانه مدیران تأثیر منفی معناداری دارد.

#### تأثیر کیفیت حسابرسی بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت

در ادبیات حسابرسی، کیفیت حسابرسی در اصطلاحات صحت اطلاعات تأمین شده بوسیله حسابرس برای سرمایه‌گذاران (تیتمان و ترومن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶) یا توانایی حسابرسان برای کشف و حذف اظهارات غلط و دستکاری‌ها در صورت‌های مالی تعریف می‌شود (پالمروس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸). کیفیت حسابرسی متغیری غیرقابل مشاهده است. ادبیات مالی شرکتی هنوز به صورت گسترده به بررسی تأثیر بالقوه کیفیت حسابرسی بر کنترل تعصب روانی و احساسات مدیران نپرداخته است. موجی از مقالات اخیر در ادبیات مالی رفتاری ثابت می‌کند که تعصب خوش‌بینی تأثیر مثبتی بر تشریح مسائل غیرمنطقی شرکت دارد (مالمن‌دیر و تاته<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ کمپل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). این مطالعات روشن می‌سازد که خوش‌بینی مدیریتی یک منبع عمده انحرافات شرکت است، زیرا آن مانع عملکرد منطقی مدیران است (محمد و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، در رابطه با اثر محدود کننده کیفیت حسابرسی این استدلال وجود دارد که، کیفیت حسابرسی اثر مثبت و معناداری با کیفیت افشا دارد. بنابراین، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر می‌شود باعث دقیق‌تر شدن برآوردها شده و نظارت بیشتری بر روی عملکرد مدیریت صورت می‌گیرد. در نتیجه، این انتظار وجود دارد، مدیر نتواند در برآوردهایش خیلی خوش‌بینانه عمل کند. بنابراین، این انتظار وجود دارد کیفیت حسابرسی باعث شود برآوردها به میزان واقعی نزدیک‌تر شده و خوش‌بینی مدیریتی کاهش پیدا کند (تئوری وجود نظارت مؤثر و مساله نمایندگی).

افزون بر این، با توجه به اینکه در ادبیات مدیریت سود، رابطه مستقیم بین کوتاه‌بینی مدیریتی و مدیریت سود اثبات شده است (مرادی و باقری، ۱۳۹۳)، این ادعا وجود دارد که بین کیفیت حسابرسی و کوتاه‌بینی مدیریتی نیز می‌تواند رابطه برقرار باشد. مطالعات گذشته در حسابداری و مالی، عوامل داخلی و خارجی را که باعث نگرش موقت شده‌اند را مستند کرده است (بروچت<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین، هدف سرمایه‌گذاران کوتاه‌نگر در جهت حداکثر سازی بازده از طریق متعادل کردن

مکرر پرتفوی کمک می‌کند. در نتیجه، مدیران ترجیح می‌دهند تا بوسیله همین سرمایه‌گذاری‌ها که سودها و قیمت سهام را به حداکثر می‌رسانند، هیجان را برای سرمایه‌گذاران با نگرش کوتاه‌بینانه تضمین کنند. به علاوه سرمایه‌گذاران کوتاه‌بینانه به احتمال زیاد افق پاداش مدیران را با خود هماهنگ می‌کنند (تئوری پاداش مدیران) (کادمان و ساندر<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۴). اما با توجه به موارد طرح شده این استدلال وجود دارد که ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر، موجب افزایش نظارت بر رفتار و تصمیمات مدیران شده و سبب محدود شدن رفتارهای کوتاه‌بینانه مدیران شود (تئوری وجود نظارت مؤثر و مساله نمایندگی) (بروچت و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به استدلال‌های فوق فرضیه‌های دوم و پنجم به شرح زیر تبیین شده است:

فرضیه دوم: شاخص کیفیت حسابرسی بر رفتار خوش‌بینانه مدیران تأثیر منفی معناداری دارد.

فرضیه پنجم: شاخص کیفیت حسابرسی بر رفتار کوتاه‌بینانه مدیران تأثیر منفی معناداری دارد.

#### تأثیر محیط رقابتی بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت

رقابت پذیری به عنوان توانایی اقتصادی بنگاه برای ثابت نگهداشتن سهم خود در بازارهای بین‌المللی یا افزایش سهم خود در بازار تعریف می‌شود. تئوری سهم بازار (مقدار فروش شرکت) دربردارنده موقعیت بازار شرکت و نیز اندازه نسبی شرکت است. به عبارت دیگر، مقدار فروش شرکت می‌تواند نشان‌دهنده میزان نفوذ شرکت در بازار باشد و می‌تواند به طور غیرمستقیم دلالت بر شهرت، تشخیص، قابلیت‌های توزیع یا حتی کیفیت واقعی شرکت داشته باشد. معمولاً این استدلال وجود دارد که هر چه سهم بازار (مقدار فروش شرکت) شرکت بیشتر باشد، آن شرکت موفق‌تر است (گریفیس<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۱). از سوی دیگر، این استدلال وجود دارد رقابت بازار محصول بالا، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های کنترلی می‌شود که این مساله باعث به وجود آمدن فرصتی بزرگ برای سرمایه‌گذاران و رقبا می‌شود تا بتوانند میزان عملکرد شرکت را با توجه به عملکرد آن در بین رقبا، در بازار محصول اندازه‌گیری کرده، که باعث کاهش هزینه‌های کنترلی می‌شود (کرمرز و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۸). همچنین، راندى<sup>۱۸</sup> و جنسن (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند در صناعی که رقابت بازار محصول شدت بیشتری دارد، مهم‌ترین مسئله برای یک راهبردی شرکتی قوی حفظ سهم بازار و سپس افزایش سهم شرکت در بازار محصول است.

با توجه به استدلال‌های فوق رقابت در بازار خود به عنوان مکانیزم کنترلی می‌تواند سبب کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت شود و رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران را محدود کند. در ارتباط با اثر محیط رقابتی بر رفتار خوش‌بینانه دو استدلال قوی وجود دارد، استدلال نخست بیان می‌کند که محیط رقابتی به عنوان یک مکانیزم کنترلی سبب محدود شدن رفتار خوش‌بینانه مدیریت شده و آن را کاهش می‌دهد (تئوری وجود نظارت مؤثر و مساله نمایندگی). استدلال دوم ادعا می‌کند که در محیط رقابتی تأمین مالی به موقع و با کمترین هزینه ممکن، یک اصل در ماندگاری در بازار رقابتی است. بنابراین، مدیران شرکت‌های رقیب در جهت حفظ اعتماد بازار، رقابت شدیدی دارند و این مدیران تلاش دارند تا با پیش‌بینی‌های دقیق اعتماد بیشتر بازار را برای خود جلب کنند. در نتیجه، مدیران در محیط رقابتی دارای یک خود کنترلی در جهت کاهش رفتار خوش‌بینانه هستند (جیانگ و لیو، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، در ارتباط با اثر محیط رقابتی بر رفتار کوتاه‌بینانه

مدیران نیز دو استدلال قوی وجود دارد استدلال نخست بیان می‌کند که محیط رقابتی به عنوان یک مکانیزم کنترلی سبب محدود شدن رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت شده و آن را کاهش می‌دهد (تئوری وجود نظارت مؤثر و مساله نمایندگی). استدلال دوم ادعا می‌کند که در یک بازار رقابتی داشتن دیدگاه بلندمدت یک اصل در جهت حفظ رقابت در بلندمدت است. بنابراین، در یک محیط رقابتی، مدیران شرکت‌ها برای بقا، حفظ سهم بازار خود و کسب سهم بازار رقیب در رقابت تنگاتنگ هستند. در نتیجه، این مدیران سرمایه‌گذاری وسیع‌تری در جهت هزینه‌های تحقیق و توسعه و حفظ سهم بازار خود انجام داده تا بتوانند جایگاه خود را در بلندمدت حفظ کنند (تئوری سهم بازار). بنابراین، بر اساس این دو استدلال، این انتظار وجود دارد که محیط رقابتی اثر منفی معناداری بر رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت داشته باشد (جیانگ و لیو، ۲۰۱۸). با توجه به استدلال‌های فوق فرضیه‌های سوم و ششم به شرح زیر تبیین شده است:

فرضیه سوم: شاخص محیط رقابتی بر رفتار خوش‌بینانه مدیران تأثیر منفی معناداری دارد.

فرضیه ششم: شاخص محیط رقابتی بر رفتار کوتاه‌بینانه مدیران تأثیر منفی معناداری دارد.

### پیشینه تجربی

الکوردی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر افزایش ریسک پرداختند. نمونه آنان شامل ۱۵ بانک در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ بوده است. نتایج پژوهش آنان نشان داد ویژگی‌های راهبری شرکتی شامل اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، مالکیت مدیریت، مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش ریسک در گزارشگری سالانه شرکت دارد. لی و همکاران (۲۰۱۹) کشف کردند که چگونه سهامداران نهادی روی تصمیمات شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه تأثیر می‌گذارند. آن‌ها دریافتند که در شرکت‌های با سهامداران پراکنده احتمال بیشتری می‌رود تا مدیران در کوتاه‌مدت هزینه‌های تحقیق و توسعه را کاهش دهند که این تأثیر در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر، تهدیدات رقابتی بازار محصول کمتر، محدودیت مالی کمتر و توانایی کمتر مدیرعامل، پررنگ‌تر است. نتایج آن‌ها پیشنهاد می‌دهد که توجه، منع کلیدی برای سهامداران نهادی است تا به طور مؤثر شرکت‌ها را کنترل کنند و از این‌رو کوتاه‌بینی مدیریتی را کاهش دهند.

هی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریتی در انتخاب روش تأمین مالی داخلی و کارآیی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس شانگهای و شنژن چین طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ پرداختند. آنان معتقدند که تأمین مالی داخلی برای فرصت‌های کسب و کار، تأمین وجوه می‌کند و کمبودهای سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد اما ممکن است سبب سرمایه‌گذاری بیش از حد شود به خصوص در شرکت‌هایی که پدیده بیش‌اعتمادی مدیریتی در آنها دخیل است. مسئله سرمایه‌گذاری بیش از حد در بنگاه‌های دولتی بیش از بنگاه‌های غیردولتی به بیش‌اعتمادی مدیریتی مربوط می‌شود. جیانگ و لیو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان خوش‌بینی مدیریتی در یک بازار رقابتی با استفاده از نظریه بازی‌ها به بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیریتی بر عملکرد شرکت در یک بازار رقابتی پرداختند. نتایج آن‌ها موید آن است که در یک محیط رقابتی که خوش‌بینی مدیریتی فراگیر شده باشد شرکت‌ها بایستی مدیر واقع بین استخدام



کنند. همچنین کرافت<sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی اثر کوتاه‌بینی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رفتار کوتاه بینانه مدیران در فرکانس گزارشگری مالی باعث کاهش سطح سرمایه‌گذاری آتی می‌شود.

چن و لین<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۶) به مطالعه کوتاه‌بینی مدیران و کاهش سرمایه‌گذاری در طرح‌های تحقیق و توسعه در بازار در حال ظهور تایوان و اینکه آیا سرمایه‌گذاران نهادی رفتار کوتاه‌بینانه مدیران را تشدید می‌کنند، می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های تایوانی، به منظور رسیدن به اهداف کوتاه مدت عایدات، هزینه‌های تحقیق و توسعه را قطع می‌کنند؛ همچنین سرمایه‌گذاران نهادی داخل سازمانی کوتاه‌مدت‌گرا، کوتاه‌بینی مدیریتی را تشدید می‌کنند. در مقابل، سرمایه‌گذاران نهادی خارج سازمانی به عنوان یک سپر از کوتاه‌بینی مدیریتی و کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه جلوگیری می‌کنند.

رضازاده و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر سوگیری در پیش‌بینی سود مدیریت بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. پژوهش آنان شامل ۱۵۵ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که سوگیری در پیش‌بینی سود توسط مدیریت بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر منفی دارد. همچنین، نتایج موید آن است که مدیران در جهت حفظ منافع خود و در راستای آرامش سرمایه‌گذاران بالفعل و سایر ذینفعان، برای مخفی‌نگه داشتن اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری‌ها، سود پیش‌بینی شده را همراه با سوگیری گزارش می‌نمایند. تقی‌زاده خانقاه و بادآور نهندی (۱۳۹۹) به بررسی ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت، تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. پژوهش آنان شامل ۱۳۰ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ بوده است. نتایج نشان داد بین بیش‌اطمینانی مدیریت و تأمین مالی داخلی، ارتباط مثبت وجود دارد. همچنین، بین بیش‌اطمینانی مدیریت با سطح سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، ارتباط مثبت و با سرمایه‌گذاری کمتر از حد، ارتباط منفی وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان داد بین تأمین مالی داخلی با سطح سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد ارتباط مثبت و با سرمایه‌گذاری کمتر از حد ارتباط منفی وجود دارد. در نهایت، یافته‌ها نشان داد تأمین مالی داخلی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و سطح سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد و تأثیر تعاملی تأمین مالی داخلی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد مثبت و معنادار است، در حالیکه این رابطه برای شرکت‌های کم سرمایه‌گذار معنادار نیست.

دیدار و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر کوتاه‌بینی مدیران بر کارایی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌کننده کیفیت راهبری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. دوره زمانی پژوهش آنان از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ با استفاده از روش رگرسیون خطی چند متغیره بوده است. نتایج پژوهش آنان بیانگر آن است که کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها، تأثیر منفی و معنادار دارد و همچنین کیفیت راهبری شرکتی نقش تعدیل‌کننده بر تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی دارد. مدیران کوتاه‌بین با کاهش هزینه‌هایی که هدف از تحمل آنها بدست آوردن منافع بلندمدت است باعث کاهش ارزش شرکت می‌شوند که با بالا بردن سطح نظارت بر مدیریت می‌توان این گونه رفتارها مدیریت را کاهش داد.

**امیری و همکاران (۱۳۹۷)** به بررسی اثر رفتارهای کوتاه‌بینی و خوش‌بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی پرداختند. نمونه پژوهش آنان شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۵ است. برای تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگو رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که رفتار خوش‌بینی مدیران باعث کاهش شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که مدیران بر اثر تعصبات، بیش از حد خوش‌بین هستند و به دلیل مغرضانه بودن، به شفافیت سازی اطلاعات مالی نمی‌پردازند. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که رفتار کوتاه‌بینانه مدیران بر شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها اثر منفی می‌گذارد.

### روش‌شناسی پژوهش

#### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های بورسی در طول دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ بوده است. چگونگی انتخاب نمونه، به صورتی بوده است که در هر مرحله از میان تمامی شرکت‌های بورسی در ابتدای سال ۱۳۸۶، شرکت‌هایی که حائز ویژگی‌های زیر نبوده‌اند، حذف شده و شرکت‌های موجود برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. شرکت‌ها باید در طول دوره زمانی مورد رسیدگی تداوم فعالیت داشته و به صورت مداوم در بورس فعال باشند (به دلیل قابل مقایسه نبودن داده مربوط به این شرکت‌ها).
  ۲. نمونه آماری شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها و سایر شرکت‌های واسطه‌گری مالی نیست (به دلیل ماهیت اقتصادی متفاوت).
  ۳. شرکت‌ها دارای ارزش دفتری منفی نباشند (به دلیل دستیابی به نمونه همگن و حذف اثر داده‌های پرت).
  ۴. سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد (به منظور دستیابی به قابلیت مقایسه بودن).
- با توجه به اعمال شرایط فوق، در نهایت تعداد ۱۵۵ شرکت به عنوان نمونه پژوهش برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند.

جدول ۱. نحوه انتخاب نمونه

۵۳۰	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده بورسی
۳۵۶	تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آنان در دسترس است و تداوم فعالیت داشته‌اند
۳۱۷	تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن ۱۲/۲۹ است
۷۲	تعداد شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها و ...
۳۴	شرکت‌ها با ارزش دفتری منفی
۵۶	تعداد شرکت‌هایی که در دوره پژوهش دارای اطلاعات ناقص بودند (یا داده پرت داشته‌اند)
۱۵۵	تعداد شرکت‌های باقی مانده به عنوان نمونه

## الگوها و متغیرهای پژوهش

الگوهای پژوهش به شرح زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است (بروچت و همکاران، ۲۰۱۵ و لی و همکاران، ۲۰۱۹).

$$\text{Optomism}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Audit Quality}_{i,t} + \beta_2 \text{GINDEX}_{i,t} + \beta_3 \text{COMP}_{i,t} + \beta_4 \text{MBV}_{i,t} + \beta_5 \text{Size}_{i,t} + \beta_6 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_7 \text{CFO}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{Age}_{i,t} + \beta_{10} \text{Loss}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$$\text{Myopia}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Audit Quality}_{i,t} + \beta_2 \text{GINDEX}_{i,t} + \beta_3 \text{COMP}_{i,t} + \beta_4 \text{MBV}_{i,t} + \beta_5 \text{Size}_{i,t} + \beta_6 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_7 \text{CFO}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{Age}_{i,t} + \beta_{10} \text{Loss}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

در این پژوهش، *Optomism* شاخص خوشبینی مدیریت، *Myopia* شاخص کوتاه‌بینی مدیریت، *Audit Quality* کیفیت حسابرسی، *GINDEX* راهبری شرکتی، *COMP* شاخص رقابتی شرکت، *MBV* نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، *Size* اندازه شرکت، *Leverage* اهرم مالی، *CFO* نسبت جریان نقد عملیاتی، *ROA* بازده دارایی‌ها، *Age* سن شرکت و *Loss* زیان‌ده بودن شرکت است.

## متغیر وابسته پژوهش

شاخص خوشبینی مدیریت ( $\text{Optomism}_{i,t}$ ): برای اندازه‌گیری شاخص خوشبینی مدیریت از معیارهای زیر استفاده شده است.

الف) تفاوت فروش واقعی و فروش پیش‌بینی شده: در صورتی که فروش واقعی سال کمتر از فروش پیش‌بینی شده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد (جیانگ و لیو، ۲۰۱۸).

ب) تفاوت سود هر سهم و سود پیش‌بینی شده هر سهم: در صورتی که سود هر سهم سال کمتر از سود پیش‌بینی شده هر سهم باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد (لین و همکاران، ۲۰۰۵).

ج) تفاوت سود تقسیمی هر سهم و سود تقسیمی پیش‌بینی شده هر سهم: در صورتی که سود تقسیمی هر سهم سال کمتر از سود تقسیمی پیش‌بینی شده هر سهم باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد (لی و تانگ<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۲).

د) مخارج سرمایه‌ای: این متغیر برابر تفاضل دارایی‌های عملیاتی در سال  $t$  از خالص دارایی‌های عملیاتی سال قبل به علاوه استهلاک سال  $t$  محاسبه می‌شود. با توجه به اینکه اعتماد به نفس کاذب مدیریت مبتنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران است در شرکت‌های با مدیران بیش‌اطمینان، مخارج سرمایه‌ای بزرگتر است. به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد (تینگا<sup>۲۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶).

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، شاخص خوشبینی مدیریت به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{Optimism} = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک گرفته‌اند}}{\text{کلیمه اقلامی که ارزش‌های صفر و یک گرفته‌اند}} \quad (3)$$

بنابراین، در مورد هر سال-شرکت، شاخص خوش‌بینی مدیریت اندازه‌گیری شده و در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد.

شاخص کوتاه‌بینی مدیریت ( $Myopia_{i,t}$ ): انتظار می‌رود زمانی که شرکت‌ها به موفقیت مالی چشمگیری دست می‌یابند، فرصت و منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت آینده را به دست آورند. بنابراین، شرکت‌هایی که به طور همزمان بازدهی بیش از حد مورد انتظار و هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه‌ای کمتر از حد طبیعی را گزارش می‌کنند، به احتمال زیاد مشمول ویژگی مدیریت کوتاه‌بینانه (دارای مدیران کوتاه بین) خواهند بود. برای شناسایی و تعیین شرکت‌های کوتاه بین، ابتدا لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی، هزینه‌های بازاریابی و هزینه‌های تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در هر دوره زمانی برآورد کرد. در این راستا، به پیروی از اندرسون و سیائو (۱۹۸۲) از روابط ۱ تا ۳ استفاده شده است:

$$\begin{aligned} ROA_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \\ Mktg_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 Mktg_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \\ R\&D_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad (۴)$$

در این روابط؛  $ROA$ ،  $Mktg$  و  $R\&D$  به ترتیب بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی به کل فروش و هزینه تحقیق و توسعه به کل فروش است. یادآوری می‌شود که هزینه بازاریابی و مخارج تحقیق و توسعه از یادداشت‌های توضیحی افشاشده شرکت‌ها استخراج می‌شود. پس از محاسبه مقادیر برآوردی بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه با استفاده از الگوهای فوق، مقادیر پیش‌بینی شده حاصل از الگو با مقادیر واقعی مقایسه شدند، سپس با توجه به خطای پیش‌بینی این سه الگو، شرکت‌ها در چهار گروه اصلی به شرح مندرج در جدول زیر قرار می‌گیرند.

جدول ۲. نحوه اندازه‌گیری متغیر

گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴
اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی منفی
اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با واقعی منفی	فقط اختلاف یکی از هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با واقعی منفی	اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با واقعی مثبت	---

در بین این گروه‌ها، گروه یک شرکت‌های با مدیریت کوتاه بین در نظر گرفته شده است. در این گروه با وجود مثبت بودن عملکرد شرکت و افزایش بازده دارایی‌ها، هزینه‌های بازاریابی و تحقیق و توسعه کاهش یافته است (چن و لین، ۲۰۱۶).

### متغیرهای مستقل پژوهش

شاخص کیفیت حسابرسی ( $Audit Quality$ ): بیانگر کیفیت حسابرسی است که از طریق معیارهای زیر محاسبه می‌شود: کیفیت اقلام تعهدی ( $Accruals' Quality$ )؛ که از طریق قدر مطلق باقیمانده‌های الگوی تعدیل شده جونز با در نظر گرفتن معیار عملکرد که توسط دی چاو<sup>۲۴</sup> و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است، محاسبه می‌شود.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_0 \left( \frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_1 \left( \frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_2 \left( \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \beta_3 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۵)$$

در این رابطه  $TA$ ، معرف مجموع اقلام تعهدی،  $A$ ، مجموع دارائی‌ها،  $\Delta REV$ ، تغییرات در فروش،  $\Delta REC$  تغییرات در دریافتی‌ها،  $PPE$ ، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص و  $ROA$  سود خالص تقسیم بر دارائی‌های شرکت است. مجموع اقلام تعهدی با توجه به رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$TA_{i,t} = E_{i,t} - CFO_{i,t} \quad (6)$$

که در این رابطه،  $E$ ، معرف سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه،  $CFO$ ، وجوه نقد حاصل از عملیات است. به طوری که اگر کمتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

تخصص حسابرس در صنعت (*Auditor industry Expertise*): تخصص حسابرس در صنعت در این پژوهش به عنوان یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است اگر حسابرس متخصص صنعت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند. در این پژوهش، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرس بهره گرفته شد. در این پژوهش سهم بازار مؤسسه حسابرسی با استفاده از رویکرد پالمروس (۱۹۸۶) به صورت زیر حساب می‌شود:

$$MS_{i,k} = \frac{\sum_{j=1}^{j,i,k} TA_{i,j,k}}{\sum_{i=1}^{j,k} \sum_{j=1}^{j,i,k} TA_{i,j,k}} \quad (7)$$

$$MS_{i,k} > \frac{1}{N_{k,i}} * 1/2 \quad (8)$$

در این الگو،  $MS_{i,k}$  سهم بازار مؤسسه حسابرسی  $i$ ام در صنعت  $k$ ام؛  $TA_{i,j,k}$ ، مجموع دارائیهای صاحبکار  $j$ ام مؤسسه حسابرسی  $i$ ام در صنعت  $k$ ام؛  $N_{k,i}$ ، تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی  $i$ ام در صنعت  $k$ ام؛  $\sum_{j=1}^{j,i,k} TA_{i,j,k}$  مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران هر مؤسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص؛  $\sum_{i=1}^{j,k} \sum_{j=1}^{j,i,k} TA_{i,j,k}$  مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران در این صنعت.

سپس شرکت‌هایی که سهم بازار آنها بیش از  $\{1/2\} * \{شکته‌های موجود در صنعت خاص / 1\}$  باشد، به عنوان حسابرس متخصص در صنعت در نظر گرفته شده‌اند. به طوری که اگر بیشتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

تداوم انتخاب حسابرس (*Audit Tenure*): تداوم انتخاب حسابرس در این پژوهش به عنوان یکی دیگر از معیارهای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است؛ که برابر است با تعداد سال‌های متوالی که یک مؤسسه حسابرسی مسئولیت حسابرسی یک شرکت را بر عهده دارد (مایرز<sup>۲۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). به طوری که اگر کمتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، شاخص کیفیت حسابرسی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$Audit\ Quality = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک گرفته‌اند}}{\text{کلیه اقلامی که ارزش‌های صفر و یک گرفته‌اند}} \quad (9)$$

بنابراین، در مورد هر شرکت شاخص کیفیت حسابرسی اندازه گیری شده و در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد. شاخص راهبری شرکتی ( $GINDEX_{i,t}$ ): برای اندازه گیری شاخص توانایی راهبری شرکتی از معیارهای زیر استفاده شده است (آرمسترانگ<sup>۲۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۴).

الف) مالکیت نهادی: درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ب) تمرکز مالکیت: درصد مالکیت سهام پنج سهامدار عمده شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

پ) مالکیت مدیریت: درصد مالکیت سهام در اختیار مدیریت شرکت است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ت) استقلال هیات مدیره: این متغیر نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره تعریف شده است به طوری که اگر بیش‌تر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد.

ث) درصد سهام شناور آزاد: برابر با درصد سهام شناور آزاد شرکت است که در بازار در حال مبادله است.

در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، توانایی راهبری شرکتی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$GINDEX = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک گرفته‌اند}}{\text{کلیه اقلامی که ارزش‌های صفر و یک گرفته‌اند}} \quad (10)$$

در این رابطه  $\sum d_j$  بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته‌اند و  $\sum H_j$  بیانگر کلیه اقلامی است که ارزش‌های صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به این ترتیب در مورد هر شرکت شاخص توانایی راهبری اندازه‌گیری شده و در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۴).

شاخص رقابتی شرکت ( $COMP_{i,t}$ ): برای اندازه‌گیری شاخص رقابتی شرکتی از معیارهای زیر استفاده شده است (لی و ژنگ، ۲۰۱۶).

الف) شاخص هرفیندال و هیرشمن ( $HHI_{i,t}$ ): شاخص هرفیندال - هیرشمن<sup>۲۸</sup> بیان‌کننده مجذور فروش هر شرکت به فروش کل صنعت است. لازم به توضیح است که شاخص مذکور میزان رقابت‌پذیری را در سطح صنایع مختلف محاسبه کرده به طوری که اگر کمتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد و بصورت زیر تعریف می‌شود (لی و ژنگ، ۲۰۱۶):

$$\text{Herfindahl - Hirschman Index (HHI)} = \sum_{i=1}^n \left(\frac{S_i}{S}\right)^2 \quad (11)$$

$S_i$ : عبارتست از درآمد فروش شرکت  $i$

$S$ : مجموع درآمد فروش شرکت‌های موجود در صنعتی که شرکت  $i$  در آن فعالیت می‌کند.

$n$ : تعداد شرکت‌های موجود در صنعت موردنظر.

ب) شاخص لرنر ( $PMC_{i,t}$ ): این شاخص با استفاده از روش لرنر محاسبه می‌شود به طوری که اگر کمتر از میانه باشد عدد

یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد و به صورت زیر محاسبه می‌شود (لی و ژنگ، ۲۰۱۶):

$$PMC = \frac{Sales - Total Cost}{Sales} \quad (۱۲)$$

که در آن  $Sales$  مبلغ فروش و  $Total Cost$  کل بهای تمام شده کالاها یا خدمات است. (ج) شاخص موانع ورود به صنعت ( $PPE_{i,t}$ ): شاخص موانع ورود برابر است با، جمع دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های شرکت به طوری که اگر کمتر از میانه باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد (لی و ژنگ، ۲۰۱۶). در نهایت پس از تعیین عدد برای هر سال شرکت، توانایی رقابتی شرکتی به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$COMP = \frac{\text{اقلامی که امتیاز یک گرفته‌اند}}{\text{کلیه اقلامی که ارزش‌های صفر و یک گرفته‌اند}} \quad (۱۳)$$

در این رابطه  $\sum dj$  بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته‌اند و  $\sum Hj$  بیانگر کلیه اقلامی است که ارزش‌های صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به این ترتیب در مورد هر شرکت شاخص توانایی رقابتی اندازه‌گیری شده و در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد.

#### متغیرهای کنترل پژوهش

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ( $MBV_{i,t}$ ): برابر با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت تعریف شده است. در ارتباط با اثر این متغیر بر رفتارهای مدیران این استدلال وجود دارد که شرکت‌های دارای نسبت بالاتر، از دیدگاه بازار در درجه بالاتری از اعتماد قرار دارند. در نتیجه، این انتظار وجود دارد که رفتار غیراخلاقی مدیران در این شرکت‌ها کمتر باشد (اندرو<sup>۲۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).

اهرم مالی ( $Leverag_{i,t}$ ): برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت است. در ارتباط با این متغیر این استدلال وجود دارد که شرکت‌های دارای نسبت اهرمی بالاتر معمولاً دارای نظارت خارجی توسط اعتباردهندگان بوده که سبب افزایش سطح نظارت شده و باعث محدودیت در رفتار غیراخلاقی مدیران می‌شود (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

جریان نقد عملیاتی ( $CFO_{i,t}$ ): برابر با جریان نقد عملیاتی شرکت است و با کل دارایی‌های شرکت تعدیل شده است. در ارتباط با اثر این متغیر دو استدلال رقیب وجود دارد استدلال نخست بیان می‌کند با افزایش جریان نقدی شرکت، انگیزه سؤاستفاده از منابع در رفتار مدیریت تقویت می‌شود. از سوی دیگر، استدلال رقیب بیان می‌کند که افزایش جریان نقد عملیاتی نتیجه عملکرد مدیریت است و معمولاً مدیران موفق کمتر به سراغ رفتارهای غیراخلاقی خواهند رفت (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

بازده دارایی‌ها ( $ROA_{i,t}$ ): برابر با حاصل تقسیم سود خالص شرکت به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت است. این استدلال وجود دارد که افزایش سود نتیجه عملکرد مدیریت است و معمولاً مدیران موفق کمتر به سراغ رفتارهای غیراخلاقی خواهند رفت (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

اندازه شرکت ( $Size_{i,t}$ ): معرف اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت است این استدلال وجود دارد که در شرکت‌های بزرگ‌تر معمولاً سازوکارهای نظارتی قویتری وجود دارد، بنابراین، باعث محدودیت در رفتار غیراخلاقی مدیران خواهد شد (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

زیان‌دهی ( $Loss$ ): متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است. این استدلال وجود دارد که مدیران در شرکت‌های زیان‌ده معمولاً تحت فشار مالی بیشتری قرار دارند در نتیجه مدیران این شرکت‌ها پنهان‌کاری بیشتری را از خود نشان داده و دستکاری بیشتری را در پیش‌بینی‌ها ارائه خواهند داد (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

سن شرکت ( $Age$ ): برابر با لگاریتم طبیعی سن شرکت از تاریخ تأسیس است. این استدلال وجود دارد که در شرکت‌های با قدمت بیشتر معمولاً سازوکارهای نظارتی قویتری وجود دارد، بنابراین، باعث محدودیت در رفتار غیراخلاقی مدیران خواهد شد (اندرو و همکاران، ۲۰۱۸).

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
رفتار خوش‌بینانه مدیریت	۰/۴۱۸	۰/۵۰	۰/۲۹۹	۱	۰
کیفیت حسابرسی	۰/۴۸۳	۰/۳۳۳	۰/۲۹۳	۱	۰
راهبری شرکتی	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۱۹۱	۱	۰
شاخص رقابتی	۰/۵۰	۰/۳۳۳	۰/۲۸۲	۱	۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۱/۸۹۵	۱/۶۸۳	۰/۸۷۵	۶/۳۷۴	۱/۰۰۵
اندازه شرکت	۵/۹۶۱	۵/۸۹۵	۰/۶۵۲	۸/۳۱۴	۴/۲۹۱
اهرم مالی	۰/۶۱۲	۰/۶۲۵	۰/۱۹۱	۰/۹۸۷	۰/۱۰۴
نسبت جریان نقدی عملیاتی به کل دارایی‌ها	۰/۱۲۹	۰/۱۱۱	۰/۱۳۲	۰/۴۸۵	-۰/۲۱
بازده دارایی‌ها	۰/۱۰۵	۰/۰۸۶	۰/۱۳۰	۰/۶۲۱	-۰/۲۷
سن شرکت	۱/۵۲۹	۱/۵۷۶	۰/۱۷۰	۱/۸۱۹	۰/۸۴۵
آمار توصیفی مربوط به متغیرهای دوجویی					
رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت	۰/۰۳۳	۰	۰/۱۷۹	۱	۰
زیان‌ده بودن شرکت	۰/۱۱۲	۰	۰/۳۱۱	۱	۰

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول (۲) و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای پژوهش، می‌توان ادعا کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. افزون بر این، آماره‌های انحراف معیار و احتمال آماره جارک‌برا نیز



به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شده است (کلر و وارک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، اهرم مالی شرکت دارای میانگین تقریبی ۶۱ درصدی است که نشان دهنده سهم بالای بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی است. علاوه بر این، متغیر زیان‌ده بودن شرکت دارای میانگین ۱۱ درصدی است که نشان دهنده آن است که تقریباً ۱۱ درصد از شرکت‌های مورد بررسی زیان‌ده بوده‌اند. همچنین، متغیر بازده دارایی‌های شرکت دارای میانگین حدود ۱۰ درصد است که نشان دهنده وجود سطح بازده کمتری نسبت به سطح تورم عمومی بوده است. از سوی دیگر، متغیر کوتاه‌بینی مدیران دارای میانگین تقریبی ۴ درصدی است که نشان دهنده آن است حدود ۴ درصد مدیران شرکت‌های نمونه انتخاب شده دارای دیدگاه کوتاه‌بینانه است.

#### آزمون هم خطی متغیرهای مستقل و بررسی همسانی واریانس

همخطی به مفهوم وجود ارتباط شدید میان متغیرهای مستقل که توسط آماره  $VIF$  سنجیده می‌شود. مقادیر زیر ۱۰ برای این آماره نشان‌دهنده عدم وجود همخطی میان متغیرهای مستقل است. نتایج کسب شده نشان داد که برای تمامی مقادیر بدست آمده این مقدار برای متغیرهای پژوهش کمتر از حد مجاز است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد هم خطی میان متغیرهای پژوهش مشاهده نشده است. علاوه بر این، برای بررسی همسانی واریانس میان باقیمانده‌های الگو، آزمون والد تعدیل شده بکار گرفته شده است. این آزمون در نرم افزار استاتا انجام شده است. نتیجه این آزمون برای الگوهای پژوهش بیانگر وجود همسانی واریانس میان باقیمانده‌های الگو است. همچنین، نرمال بودن توزیع باقی مانده‌های رگرسیون نیز بررسی شد که نتایج موید نرمال بودن این باقی مانده‌ها است.

#### آمار استنباطی

با توجه به مبانی تئوریک طرح شده، شش فرضیه تدوین و در ادامه به بررسی و آزمون آن‌ها پرداخته شده است. برای این هدف، ابتدا الگوی (۱) برای بررسی سه فرضیه اول آزمون شد. البته لازم است، قبل از برآزش الگوهای پژوهش، آزمون چاو برای بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های تلفیقی برای نمونه پژوهش انجام شود (افلاطونی، ۱۳۹۲). همچنین لازم به توضیح است متغیر وابسته الگوی دوم پژوهش، متغیری دووجهی است، بنابراین، از روش رگرسیون لجستیک برای تخمین آن استفاده شده است و نیازمند آزمون‌های تشخیصی نیست. نتایج آزمون چاو برای الگوی اول در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر برای الگوی پژوهش

الگوی مورد بررسی	آماره	درجه آزادی	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی اول پژوهش	۱/۰۵۱	۱۳۸۵ و ۱۵۴	۰/۳۱۰	روش داده‌های تلفیقی

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون چاو برای الگوی (۱) پژوهش، نتایج حاکی از تأیید فرض  $H_0$  بوده است، در نتیجه، الگوی روش داده‌های تلفیقی روش ارجح است. بنابراین، در ادامه به تخمین الگوی (۱) پژوهش، با توجه به روش ارجح پرداخته شد.

جدول ۵. نتایج تخمین الگوی اول پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
عرض از میداء	۰/۵۷۵	۰/۰۹۲	۶/۲۵۵	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۹۸	۰/۰۲۱	-۴/۴۷۶	۰/۰۰۰
راهبری شرکتی	-۰/۰۹۶	۰/۰۳۱	-۳/۰۹۶	۰/۰۰۲
شاخص رقابتی	-۰/۰۱۵	۰/۰۴۲	-۰/۰۳۵	۰/۹۷۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۰۱۳۶	۰/۰۰۸	۱/۷۱۱	۰/۰۸۷
اندازه شرکت	۰/۰۲۸	۰/۰۱۲	۲/۳۴۸	۰/۰۱۹۱
اهرم مالی	-۰/۳۶۵	۰/۰۴۱	-۸/۹۲۱	۰/۰۰۰
نسبت جریان نقدی عملیاتی به کل دارایی‌ها	-۰/۰۴۰	۰/۰۵۷	-۰/۷۰۹	۰/۴۷۴
بازده دارایی‌ها	۰/۹۴۱	۰/۰۸۳	۱۱/۳۳۹	۰/۰۰۰
سن شرکت	۰/۰۱۲	۰/۰۴۲	۰/۰۳۰	۰/۹۷۵
زیان‌ده بودن شرکت	-۰/۱۶۲	۰/۰۲۴	-۰/۶۷۵	۰/۵۰۱
ضریب تعیین		۰/۳۳۶		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۳۰		
آماره دوربین واتسون		۲/۰۴۸		
آماره F		۲۴/۱۰۶		
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۵) و با توجه آماره F بدست آمده (۲۴/۱۰۶) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۳۳ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۳۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۰۴۸ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد. همچنین، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد از میان متغیرهای کنترل، تنها متغیرهای بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر معناداری بر رفتار خوش‌بینانه مدیریت دارد.

از سوی دیگر، برای بررسی سه فرضیه دوم از الگوی (۲) استفاده شده است. نتایج تخمین این الگو با روش رگرسیون لوجستیک، در جدول (۶) ارائه شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۶) و با توجه آماره LR بدست آمده که برابر (۲۳/۳۷۴) و سطح خطای آن که برابر (۰/۰۰۹) است، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین مک‌فادن بدست آمده، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش تقریباً بیش از ۲۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همچنین، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد از میان متغیرهای کنترل، تنها متغیرهای بازده دارایی‌ها و اهرم مالی تأثیر معناداری بر رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت دارد.

جدول ۶. نتایج تخمین الگوی دوم پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
عرض از مبداء	-۳/۳۹۸	۱/۸۹۱	-۱/۷۹۷	۰/۰۷۲
کیفیت حسابرسی	-۱/۱۱۳	۰/۴۸۳	-۲/۳۰۵	۰/۰۲۲
راهبری شرکته	-۱/۶۴۹	۰/۷۲۹	-۲/۲۶۳	۰/۰۲۶
شاخص رقابتی	-۰/۶۸۴	۰/۵۳۹	-۱/۲۷۰	۰/۲۰۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۱۶۴	۰/۱۴۱	۱/۱۶۸	۰/۲۴۳
اندازه شرکت	-۰/۲۳۷	۰/۲۳۸	-۰/۹۹۶	۰/۳۲۰
اهرم مالی	۳/۱۸۵	۱/۰۵۷	۳/۰۱۴	۰/۰۰۲
نسبت جریان نقدی عملیاتی به کل دارایی‌ها	-۰/۶۵۹	۱/۱۴۷	-۰/۵۷۵	۰/۵۶۲
بازده دارایی‌ها	۴/۳۲۷	۱/۵۱۱	۲/۸۶۴	۰/۰۰۴
سن شرکت	-۱/۰۷۷	۰/۷۸۳	-۱/۳۷۶	۰/۱۷۰
زیان‌ده بودن شرکت	-۱/۱۱۴	۰/۷۵۹	-۱/۴۶۹	۰/۱۴۱
ضریب تعیین مک فادن		۰/۲۵۶		
آماره LR		۲۳/۳۷۴		
احتمال آماره LR		۰/۰۰۹		

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی، راهبری شرکته و محیط رقابتی شرکت بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران پرداخته شد. بدین منظور فرضیه‌هایی برای بررسی این موضوع تدوین و با استفاده از اطلاعات در دسترس به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد. در ارتباط با تأثیر کیفیت حسابرسی بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران این استدلال وجود دارد که کیفیت حسابرسی اثر مثبت و معناداری با کیفیت افشا دارد بنابراین، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر می‌شود باعث دقیق‌تر شدن برآوردها شده و نظارت بیشتری بر روی عملکرد مدیریت صورت می‌گیرد. در نتیجه این انتظار وجود دارد، مدیر نتواند در برآوردهایش خیلی خوش‌بینانه عمل کند، بنابراین، کیفیت حسابرسی باعث می‌شود برآوردها به میزان واقعی نزدیک‌تر شده و خوش‌بینی مدیریتی کاهش پیدا کند. از سوی دیگر، در ارتباط با اثر کیفیت حسابرسی بر کوتاه‌بینی مدیریت این استدلال وجود دارد که ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر، موجب افزایش نظارت بر رفتار و تصمیمات مدیران شده و سبب محدود شده رفتارهای کوتاه‌بینانه مدیران می‌شود. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان داد که با توجه به ضریب متغیر کیفیت حسابرسی بر شاخص خوش‌بینی مدیریت (که برابر ۰/۰۹۶- در جدول (۵)) و بر شاخص کوتاه‌بینی مدیریت (که برابر ۱/۱۲۹- در جدول (۶)) و با توجه به سطح معناداری که کمتر از ۵ درصد است می‌توان نتیجه‌گیری کرد کیفیت حسابرسی بالاتر سبب کاهش رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت شده و اثر منفی معناداری بر آن دارد (مطابق با پژوهش بروجت و همکاران، ۲۰۱۵). در نتیجه، با توجه به نتایج آماری کسب شده می‌توان ادعا کرد که کیفیت حسابرسی با افزایش سطح نظارت و شفافیت سبب محدود شدن رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت خواهد شد.

افزون بر این، در ارتباط با تأثیر راهبری شرکته بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت دو استدلال رقیب وجود دارد، استدلال نخست ادعا می‌کند که راهبری شرکته قوی‌تر با انجام نظارت و کنترل دقیق رفتار و تصمیم‌گیری‌های

مدیریتی، عامل محدود کننده‌ای در رفتارهای متعصبانه مدیریتی است و سبب کاهش رفتارهای بیش از حد خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه می‌شوند. از سوی دیگر، استدلال دوم بیان می‌کند وجود تمرکز مالکیت بالا و سهامدار نهادی بیشتر با تحت فشار قراردادن مدیریت می‌تواند رفتارهای مدیریتی را کنترل کرده و در جهت منافع خود از آن سوء استفاده کنند و منافع سهامداران اقلیت و سایر فعالان بازار را تحت خطر قرار دهند. زیرا بقا مدیریت در جهت حفظ رضایت مالکان نهادی و سهامداران اکثریت است، بنابراین، این امکان وجود دارد که مدیریت در جهت حفظ منافع و جایگاه شغلی، رفتار خوش‌بینانه در پیش‌بینی‌های آتی و رفتار کوتاه‌بینانه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از خود نشان دهد. همچنین، با وجود مالکیت مدیریت بالاتر نیز این احتمال وجود دارد که مدیر به عنوان مالک در جهت حفظ منافع مدیریتی و مالکیت خود رفتار خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه بیشتری را از خود نشان دهد. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان داد که با توجه به ضریب متغیر راهبری بر شاخص خوش‌بینی مدیریت (که برابر ۰/۰۹۰- در جدول (۵)) و بر شاخص کوتاه‌بینی مدیریت (که برابر ۱/۶۳۷- در جدول (۶)) و با توجه به سطح معناداری که کمتر از ۵ درصد است می‌توان نتیجه‌گیری کرد راهبری شرکتی بالاتر با نظارت قوی‌تری سبب کاهش رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیریت شده و اثر منفی معناداری بر آن دارد (مطابق با پژوهش لی و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه، با توجه به نتایج آماری کسب شده می‌توان ادعا کرد که در محیط اقتصادی ایران فرضیه نخست پشتیبانی می‌شود و راهبری شرکتی با افزایش سطح نظارت و شفافیت سبب محدود شدن رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت خواهد شد. از سوی دیگر، در ارتباط با تأثیر محیط رقابتی بر رفتارهای خوش‌بینانه مدیریت دو استدلال قوی وجود دارد، استدلال نخست بیان می‌کند که محیط رقابتی به عنوان یک مکانیزم کنترلی سبب محدود شدن رفتار خوش‌بینانه مدیریت شده و آن را کاهش می‌دهد. استدلال دوم ادعا می‌کند که در محیط رقابتی تامین مالی به‌موقع و با کمترین هزینه ممکن، یک اصل در ماندگاری در بازار رقابتی است. بنابراین، مدیران شرکت‌های رقیب در جهت حفظ اعتماد بازار، رقابت شدیدی دارند و این مدیران تلاش دارند تا با پیش‌بینی‌های دقیق اعتماد بیشتر بازار را برای خود جلب کنند، در نتیجه، مدیران در محیط رقابتی دارای یک خود کنترلی در جهت کاهش رفتار خوش‌بینانه هستند. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان داد که با توجه به ضریب متغیر محیط رقابتی بر شاخص خوش‌بینی مدیریت (که برابر ۰/۰۰۵- در جدول (۵)) و با توجه به سطح معناداری که بیشتر از ۵ درصد است می‌توان نتیجه‌گیری کرد محیط رقابتی اثری بر رفتارهای خوش‌بینانه مدیریت ندارد. همچنین، در ارتباط با تأثیر محیط رقابتی بر رفتارهای کوتاه‌بینانه مدیریت نیز دو استدلال قوی وجود دارد استدلال نخست بیان می‌کند که محیط رقابتی به عنوان یک مکانیزم کنترلی سبب محدود شده رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت شده و آن را کاهش می‌دهد. استدلال دوم ادعا می‌کند که در یک بازار رقابتی داشتن دیدگاه بلندمدت یک اصل در جهت حفظ رقابت در بلندمدت است، بنابراین، در یک محیط رقابتی، مدیران شرکت‌ها برای بقا، حفظ سهم بازار خود و کسب سهم بازار رقیب در رقابت تنگاتنگ هستند. در نتیجه، این مدیران سرمایه‌گذاری وسیع‌تری در جهت هزینه‌های تحقیق و توسعه و حفظ سهم بازار خود انجام داده تا بتوانند جایگاه خود را در بلندمدت حفظ کنند. بنابراین، بر اساس این دو استدلال، این انتظار وجود دارد که محیط رقابتی اثر منفی معناداری بر رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت داشته باشد. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان داد که با توجه به ضریب متغیر محیط

رقابتی بر شاخص کوتاه‌بینی مدیریت (که برابر ۰/۶۶۸- در جدول (۵)) و با توجه به سطح خطا که بیشتر از ۵ درصد است می‌توان نتیجه‌گیری کرد محیط رقابتی اثری بر رفتارهای کوتاه‌بینانه مدیریت ندارد. نتایج بدست آمده در جهت رد اثر محیط رقابتی با نتایج **جیانگ و لئو (۲۰۱۸)** مطابقت ندارد. دلیل احتمالی رد این فرضیه‌ها در محیط اقتصادی ایران می‌تواند آن باشد که در اکثر صنایع کشور رقابت محدودی وجود دارد و اکثر شرکت‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت کنترل دولت یا حاکمیت قرار دارد که در اکثر این صنایع رقابت به معنای واقعی خود مشاهده نمی‌شود.

### **پیشنادهای پژوهش**

#### **پیشنادهای کاربردی**

در راستای نتایج بدست آمده از پژوهش، پیشنادهای زیر مطرح می‌شود:

با توجه به نتایج کسب شده، به سهامداران در بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود به کیفیت اطلاعات، رتبه افشا و رفتارهای مدیران در ارائه اطلاعات توجه جدی داشته باشند. همچنین، با توجه به تأثیر کیفیت حسابرسی بر کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران به سهامداران توصیه می‌شود در انتخاب موسسه حسابرسی دقت بیشتری داشته و انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر دغدغه آنان باشد. علاوه بر این، با توجه به اثر کاهنده راهبری شرکتی بر رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت به مالکان توصیه می‌شود که ارتقا سیستم راهبری شرکتی از اهداف اصلی آنان باشد چرا که در بلندمدت با کاهش رفتارهای غیراخلاقی مدیران سبب حفظ منافع آنان در بلندمدت خواهد شد.

افزون بر این، به مدیران که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های انجام شده در شرکت‌های بورسی دارند، توصیه می‌شود در ارتباط با اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها و انجام پیش‌بینی‌ها دارای دیدگاه بلندمدت باشند و منافع عموم را فدای منافع کوتاه‌مدت خود نکنند، زیرا این عوامل با توجه به تأثیری که در بلندمدت بر اعتبار و جایگاه شرکت دارد می‌تواند از سوی بازار به عنوان عاملی مثبت از عملکرد مدیریت در ارائه ایفای مسئولیت اجتماعی باشد.

همچنین، به قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان سیاست‌های مالی توصیه می‌شود تا با حمایت بازارهای مالی و همچنین بازار سرمایه از بروز اختلال و عدم ثبات در آن جلوگیری نمایند و قوانین تنبیهی در جهت کاهش دستکاری‌ها و پیش‌بینی‌های اشتباه وضع کنند تا مدیران را بیشتر از گذشته پاسخگو تصمیمات و پیش‌بینی‌های انجام شده کنند. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود که پایگاه اطلاعاتی برای مدیران شرکت‌های بورسی و فرابورسی ایجاد و این مدیران رتبه‌بندی شوند. همچنین، در ارزیابی این مدیران نیز میزان دستکاری در اطلاعات ارائه شده، دقت پیش‌بینی‌ها و ابعاد تصمیم‌گیری آنان لحاظ گردد.

#### **پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی**

با انجام هر پژوهش، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. بنابراین،

انجام پژوهش‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی، راهبری شرکتی و محیط رقابتی شرکت بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران با توجه به اثر تعدیلی متغیرهای کلان اقتصادی.

بررسی تأثیر شاخص‌های نظارتی نظیر وجود کمیته حسابرسی و سیستم حسابرسی داخلی بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران.

### محدودیت‌های پژوهش

برخی محدودیت‌ها در انجام این پژوهش وجود داشت که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است: بحث محدودیت در دسترسی به داده هزینه‌های تحقیق و توسعه برای محاسبه سطح کوتاه‌بینی مدیران که برخی از شرکت‌ها این داده را افشا نکرده بودند. همچنین، میانگین این متغیر حدود ۴ درصد است که با توجه به کم بودن تعداد این مدیران باید در تفسیر نتایج و تعمیم آن با دقت بیشتری برخورد شود. به دلیل آنکه ارائه اطلاعات پیش‌بینی شده با توجه به مصوبه بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۶ به بعد وجود نداشت بنابراین، آخرین سال انجام این پژوهش تا سال ۱۳۹۶ بوده است.

### یادداشت‌ها

- |                             |                     |                         |
|-----------------------------|---------------------|-------------------------|
| 1. Bouwman                  | 2. Jiang and Liu    | 3. Mohamed              |
| 4. Alzoubi                  | 5. Chen             | 6. Alkurdi              |
| 7. Jensen and Meckling      | 8. Myers and Majluf | 9. Li                   |
| 10. Titman and Trueman      | 11. Palmrose        | 12. Malmendier and Tate |
| 13. Campbell                | 14. Brochet         | 15. Cadman and Sunder   |
| 16. Griffith                | 17. Cremers         | 18. Randoy              |
| 19. He                      | 20. Kraft           | 21. Lin                 |
| 22. Tong                    | 23. Tinga           | 24. Dechow              |
| 25. Myers                   | 26. Armstrong       | 27. Zheng               |
| 28. Herfinahl and Hirschman | 29. Andrew          | 30. Kellerand Warrack   |

### تقدیر و تشکر

از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق به خاطر حمایت‌های مالی و معنوی از طرح پژوهشی با عنوان «تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی، راهبری شرکتی و محیط رقابتی شرکت بر رفتارهای خوش‌بینانه و کوتاه‌بینانه مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» کمال تشکر را به عمل می‌آوریم.

### منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با *Eviews* در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی. چاپ اول، تهران، انتشارات ترمه.
- امیری، اسماعیل؛ خدای پور، احمد؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۷). اثر رفتارهای کوتاه‌بینی و خوش‌بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۳(۲)، ۱۷۷-۱۴۱.
- تقی‌زاده خانقاه، وحید؛ بادآور نهندي، یونس. (۱۳۹۹). ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت، تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری. مجله دانش حسابداری، ۲۰(۲)، ۲۳۸-۲۰۹.
- دیدار، حمزه؛ حیدری، مهدی؛ پوراسد، سعید. (۱۳۹۷). تأثیر کوتاه‌بینی مدیران بر کارایی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌کننده کیفیت راهبری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، ۹(۱)، ۱۶۹-۱۴۷.
- رضازاده، حامد؛ پاک‌مرام، عسگر؛ بحری ثالث، جمال؛ عبدی، رسول. (۱۳۹۹). تأثیر سوگیری در پیش‌بینی سود مدیریت بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی، مجله دانش حسابداری، ۱۱(۲)، ۱۶۷-۱۳۹.

## References

- Aflatoni, A. (2014). *Statistical Analysis with Eviews in Accounting and Financial Management Research*, First Edition, Tehran, Termeh Publications [In Persian].
- Alkurdi, A., Hussainey, K., Tahat, Y., & Aladwan, M. (2019). The impact of corporate governance on risk disclosure: Jordanian evidence. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 23(1), 1-16.
- Alzoubi, E.S. (2016). Audit quality and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of Applied Accounting Research*, 17(2), 170-189.
- Amiri, I., Khodamipour, A., Kamiabi, Y. (2018). The effect of short-sighted and optimistic management behaviors on financial information transparency. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 13(2), 141-177 [In Persian].
- Anderson, T.W., Hsiao, C. (1982). Formulation and estimation of dynamic models using panel data. *Journal of econometrics*, 18(1), 47-82.
- Andrew, C.C., Shuping, C., Adam, E., Bin, M. (2018). Does long-term earnings guidance mitigate managerial myopia? [www.ssrn.com/abstract=2570037](http://www.ssrn.com/abstract=2570037).
- Armstrong, C., Blouin, J., Jagonlizer, A. Larcker, D. (2014). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. Rock center for corporate governance, *Working Paper*.
- Bouwman, C.H. (2014). Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41, 283-303.
- Brochet, F., Loumiot, M., Serafeim, G. (2015). Speaking of the short-term: Disclosure horizon and managerial myopia. *Review of Accounting Studies*, 20(3), 1122-1163.
- Cadman, B., Sunder, J. (2014). Investor horizon and CEO horizon incentives. *The Accounting Review*, 89(4), 1299-1328.
- Campbell, T.C., Galleyer, M., Johnson S.A., Rutherford, J., Stanley, B.W. (2011). CEO optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics*, 101, 695-712.
- Chen, K.Y., Lin, K.L., Zhou, J. (2005). Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms. *Managerial Auditing Journal*, 20(1), 86-104.
- Chen, Y., Lin, F. (2016). Does institutional short-termism matter with managerial myopia? *Journal of Business Research*, 93, 319-341.
- Cremers, M., Nair, V.B., Peyer, U. (2008). Takeover defenses and competition: The role of stakeholders. *Journal of Empirical Legal Studies*, 5, 791-818.
- Dechow, P.M., Sloan, R.G., Sweeney, A.P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193-225.
- Didar, H., Heydari, M., Pourassad, S. (2018). The influence of managers' short-sightedness on corporate efficiency with moderating role of corporate governance quality in listed companies of Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting Knowledge*, 9(1), 147-169 [In Persian].
- Griffith, R. (2001). Product market competition, efficiency and agency costs: an empirical analysis (No. 01/12). IFS Working Papers. <https://www.econstor.eu/bitstream/10419/71529/1/33016659X.pdf>
- He, Y., Chen, C., Hu, Y. (2019). Managerial overconfidence, internal financing, and investment efficiency: Evidence from China. *Research in International Business and Finance*, 47, 501-510.
- Jensen, M.C., Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Jiang, B., Liu, C. (2018). Managerial optimism in a competitive market. *Production and Operations Management*, 27(9), 256-281.

- Keller, G., Warrack, B. (2003). *Statistics for Management and Economics (6th ed.)*. Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Kraft, A., Rahul, V., Mohan, V. (2018). Frequent financial reporting and managerial myopia. *Accounting Review*, 93(2), 249-275.
- Li, J., Tong, W. (2012). Managerial overconfidence, CEO Selection and corporate investment: An empirical analysis. *Working Paper*, Available at: www.ssrn.com.
- Li, W. L., & Zheng, K. (2017). Product market competition and cost stickiness. *Review of quantitative finance and accounting*, 49(2), 283-313.
- Li, Y., Wang, J., & Wu, X. (2019). Distracted institutional shareholders and managerial myopia: Evidence from R&D expenses. *Finance Research Letters*, 29(June 2019), 30-40.
- Lin, Y.H., Hu, S.Y., Chen, M.S. (2005). Managerial optimism and corporate investment: Some empirical evidence from Taiwan. *Pacific-Basin Finance Journal*, 13(5), 523-546.
- Malmendier, U., Tate, G. (2005a). CEO overconfidence and corporate investment. *The Journal of Finance*, 60(6), 2661-2700.
- Mohamed, E.B., Baccar, A., Fairchild, R., Bouri, A. (2012). Does corporate governance affect managerial optimism? Evidence from NYSE panel data firms. *International Journal of Euro-Mediterranean Studies*, 5(1), 41-56.
- Moradi, J., Bagheri, H. (2014). A Comparative study of the impact of managerial myopia and earnings management on stock returns. *Accounting and Auditing Reviews*, 21(2), 229-250 [In Persian].
- Myers, J., Myers, L., Omer, T. (2003). Exploring the term of the auditor client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78(3), 779-800.
- Myers, S.C., Majluf, N.S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13(2), 187-221.
- Palmrose, Z.V. (1988). 1987 Competitive Manuscript Co-Winner: An analysis of auditor litigation and audit service quality. *Accounting Review*, 62(1), 55-73.
- Palmrose, Z.V., Richardson, V.J., Scholz, S. (1986). Determinants of market reaction to restatement announcement. *Journal of Accounting and Economics* 37, 59-89.
- Randoy, J., Jenssen, J. (2004). Board independence and product market competition in Swedish firms. *Corporate Governance*, 12(3), 281-289.
- Rezazadeh, H., Pakmaram, A., Bahri Sales, J., Abdi, R. (2020). Effect of bias in management earnings forecasts on investment behavior of firm and information asymmetry. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(2), 139-167 [In Persian].
- Taghizadeh Khaneghah, V., Badavar Nahandi, Y. (2020). Relationships between managerial overconfidence, internal financing and investment efficiency. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(2), 209-238 [In Persian].
- Tinga, I.W., Leanb, Q.L., Kwehc, N., Azizand, A. (2016). Impact of managerial overconfidence and government intervention on firm leverage decision: A mars model approach. *Institutions and Economies*, 8(3), 85-104.
- Titman, S., Trueman, B. (1986). Information quality and the valuation of new issues. *Journal of Accounting and Economics*, 8(2), 159-172.